



نقد و بررسی پرسمان یاد

مریم سیدان (استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه صنعتی شریف)

۱- مقدمه

واژه «خاطره» در فرهنگ‌های لغت فارسی به معنی اموری که بر شخص گذشته و آثاری از آن در ذهن شخص مانده باشد، گذشته‌های آدمی، وقایع گذشته که شخص آن را دیده یا شنیده (← لغت‌نامه، ذیل خاطره) به کار رفته است. این واژه، در اصل، عربی است و هرچند «یادگار» و «یادبود» را معادل‌های فارسی آن دانسته‌اند (← همان‌جا و نیز فرهنگ فارسی، ذیل خاطره)، خود واژه «خاطره»، در معنایی که ذکر شد، در فارسی امروز رایج‌تر از یادگار و یادبود است. خاطره را از نظر موضوع نمی‌توان محدود کرد. خاطره‌ها را رویدادها و حوادث زندگی انسان و حتی اتفاقات عادی و روزمره‌ای شکل می‌دهند که زمانی رخ داده و در خاطر انسان مانده‌اند.

اگر کسی خاطره یا خاطره‌های خود را بنویسد، نوشته او خاطره‌نویسی یا خاطره‌نگاری نام دارد. هرچند خاطره‌نویسی را، از نظر نوع نوشته، ادبی محسوب و

زیرمجموعه زندگی نامه و ذیل خودزندگی نامه طبقه‌بندی کرده‌اند (از جمله ← شمیسا، ص ۲۵۹)، به نظر می‌رسد بهتر است آن را ذیل قالب «گزارش» طبقه‌بندی کرد. گزارش انواعی گوناگون دارد: گزارش وضعیت، گزارش سفر، گزارش زندگی و... . خاطره را نیز می‌توان یکی از انواع گزارش دانست. باید توجه کرد خاطره‌نویسی به بعضی از دیگر انواع نوشته‌ها، مثل زندگی نامه (به‌ویژه خودزندگی‌نامه) و سفرنامه، نزدیک است. مثلاً، گاه ممکن است نوشته‌ای هم سفرنامه باشد و هم خاطره.

حضور «من نویسنده» از عناصر مهم خاطره‌نویسی است و یکی از وجوه اساسی تفاوت آن را با تاریخ و داستان و دیگر انواع نوشته مشخص می‌کند. اگر حضور من نویسنده را در نوشته‌های فارسی بررسی کنیم، در بسیاری از آن‌ها، گاه این «من» در صفحه‌ها یا سطرهایی حضور می‌یابد و از خود یا دیده‌ها و شنیده‌های خود می‌گوید. از این رو، می‌توان گفت خاطره‌نویسی در معنای عام و گسترده‌اش در ایران قدمت بسیار دارد. با این رویکرد، قدیمی‌ترین خاطره‌نویسی‌های برجامانده را باید در کتیبه‌های آشوریان و هخامنشیان یافت. در این میان، کتیبه شاهان هخامنشی اهمیت ویژه دارد. در کتیبه داریوش، در بیستون، علاوه بر وقایع‌نگاری، من نویسنده در نوشته‌ها حضور دارد و از خویش سخن می‌گوید. (← اشرف، ص ۳۴۰-۳۴۵)

نمونه‌های دیگری از حضور من نویسنده در متون تاریخی فارسی مثل تاریخ بیهقی، تاریخ جهانگشا و...، سفرنامه‌ها، نوشته‌های عرفانی و داستانی و حتی شعر - به‌ویژه شعر غنایی که در آن شاعر از عواطف شخصی خود سخن می‌گوید - فراوان است. گرچه این نوشته‌ها خاطره‌نویسی در معنای خاص محسوب نمی‌شوند، در بررسی پیشینه خاطره‌نویسی فارسی شایسته توجه‌اند. نمونه‌های جدی‌تر این نوع نوشته‌ها بدایع الوقایع زین‌الدین محمود واصفی در قرن دهم و تذکرة المعاصرین شیخ محمدعلی حزین

لاهیجی در قرن دوازدهم هجری قمری است. احمد اشرف به‌ویژه دومی را از مهم‌ترین خاطره‌نویسی‌های جدی در ایران تلقی کرده است. (← همان، ص ۳۵۳-۳۵۶)

خاطره‌نویسی، در معنای خاص و نوین آن، در ایران قدمتی چندان ندارد و به دوره قاجار بازمی‌گردد. در آن دوره، نوشتن یادداشت‌های روزمره، سفرنامه و خاطره با نثر ساده و نزدیک به گفتار مرسوم شد. این کتاب‌ها را از نظر ملیت نویسندگان آن‌ها می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱) کتاب‌هایی که نویسندگان غربی نوشته‌اند؛ ۲) کتاب‌هایی که نویسندگان ایرانی، متأثر از نوشته‌های غربی، نوشته‌اند. نوشته‌های متعددی از سیاستمداران و سفیران و سیاحان کشورهای غربی در دست است که در عصر قاجار به ایران سفر کردند و مشاهدات و مسموعات خود را در قالب کتاب نوشتند. هرچند بسیاری از این نوشته‌ها - نظیر سه سال در دربار ایران (خاطرات دکتر فوریه^۱ پزشک ویژه ناصرالدین‌شاه قاجار)، خاطرات سفر ایران روش‌شوار^۲ و... سفرنامه محسوب می‌شوند، چون غالباً من نویسنده در آن‌ها حضور دارد و شرح حال خود را نیز ضمن سفر بازگو می‌کند، ذیل خاطره‌نویسی هم جای می‌گیرند.

از نوشته‌های نویسندگان ایرانی عصر قاجار، وقایع‌الزمان (یا خاطرات شکاریه) دوستعلی خان معیرالممالک؛ شرح زندگانی من عبدالله مستوفی؛ خاطرات تاج‌السلطنه، دختر ناصرالدین‌شاه، و خاطرات مونس‌الدوله، ندیمه حرم‌سرای ناصرالدین‌شاه، مشهور است. به‌علاوه، در عنوان پاره‌ای از روزانه‌نوشت‌های مشهور این دوره - نظیر روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه - نیز از واژه «خاطره» استفاده شده است و آن‌ها را نیز باید جزء نمونه‌های شاخص خاطره‌نویسی در عصر قاجار تلقی کرد.

1. Fevrier, Joannes

2. Rochechouart, Julien de

در قرن حاضر، همچنان اقبال به خاطره‌نویسی، به‌ویژه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، فراوان است. بسیاری از این خاطره‌نگاری‌ها ممکن است حتی منتشر هم نشوند. خیل عظیم وبلاگ‌نویسان امروزی، که گاه نیز به نگارش خاطرات خود می‌پردازند، نشانه‌ای از همین اقبال است. در این اقبال، شاید فردگرایی انسان معاصر و شکل‌گیری مکاتب و جنبش‌هایی که فرد را در کانون توجه قرار داده‌اند مؤثر بوده است، چراکه در خاطره‌نویسی نیز من‌نویسنده و زندگی و جریان‌های حول اوست که اهمیت می‌یابد؛ به‌ویژه اینکه زبان خاطره‌نویسی غالباً ساده است و، درست یا نادرست، در نظر عموم چنان است که خاطره‌نوشتن نیاز به ممارست و پیشینه‌نویسندگی جدی ندارد.

یکی از انواع خاطره‌نویسی‌های پس از انقلاب مربوط به کسانی است که در جنگ دولت بعثی عراق با ایران حضور داشته‌اند. این نوع نوشته‌ها، افزون بر جنبه بازگویی خاطرات، نوعی بازخوانی تاریخ جنگ در ابعاد مختلف نیز به شمار می‌روند و از این رو می‌توان برای آن‌ها ارزش اجتماعی و فرهنگی و روان‌شناختی و... قائل شد. شمار بسیار کتاب‌های منتشرشده در این حوزه رواج عنوان‌هایی نظیر «خاطره‌نویسی جنگ»، «خاطره‌نگاری جبهه»، «خاطرات جنگ» و عنوان‌های مشابه را موجب شده است.

با وجود رواج قالب خاطره‌نویسی در ایران، کتاب‌های نظری در این زمینه کمتر نوشته و ترجمه شده است؛ یعنی کتاب‌هایی که به تعریف خاطره، انواع آن، عناصر آن، تفاوت آن با دیگر انواع نوشته و... بپردازد. پرسمان یاد، نوشته علیرضا کمری، یکی از کتاب‌هایی است که به‌تازگی در این باره منتشر شده است. او کتاب‌های دیگری هم در زمینه خاطره منتشر کرده است، از جمله:

کمری، علیرضا، با یاد خاطره،^۱ سوره مهر، تهران ۱۳۸۳.

۱. عنوان جلد یک کتاب مزبور «درآمدی بر خاطره‌نویسی و خاطره‌نگاشته‌های پارسی در تاریخ ایران» نام دارد.

_____، درآمدی بر خاطره‌نویسی و خاطره‌نگاشته‌ها در گستره ادب مقاومت و فرهنگ
جبهه، حوزه هنری؛ سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۷۳.

_____، یاد مانا (پنج مقاله درباره خاطره‌نویسی و خاطره‌نگاشته‌های جنگ و جبهه/
دفاع مقدس)، سوره مهر، تهران ۱۳۷۳.

در پرسمان یاد، به این نکته درست اشاره می‌شود که نقد کتاب در حوزه جنگ
متداول نشده است و «اکثر حرف‌هایی که زده می‌شود تعارف است تا نقد»^۱ و «مدیران تولید غالب
کتاب‌های جنگ اعتنایی به نقد و نظر ندارند» (ص ۱۷۲). در نوشته حاضر، می‌خواهم به دور از
تعارف، با نگاهی انتقادی، نکاتی چند درباره پرسمان یاد متذکر شوم.

پرسمان یاد صورت نوشتاری سلسله‌جلسات پرسش و پاسخ درباره خاطره‌نویسی و
به‌ویژه خاطره‌نویسی جنگ است؛ یعنی آنچه «اعضای شورای خاطره سازمان ادبی و
هنری؛ بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس»، طی پانزده جلسه، از علیرضا
کمری پرسیده‌اند. کتاب در پانزده فصل تنظیم شده و، در ضمن آن، مباحثی گوناگون
همچون تعریف خاطره، پیشینه خاطره، ارکان خاطره، طرح تدوین خاطره، روش‌های
شکل‌گیری خاطره، استناد در خاطره، ادبیات و نسبت آن با خاطره، تاریخ و نسبت آن با
خاطره، تفاوت خاطره با تاریخ شفاهی و... آمده است. در ضمن گفتگوها، روش‌های
نوشتن خاطره به سه دسته خاطره‌گفته‌ها، خاطره‌پرسیده‌ها و خاطره‌نگاشت‌ها تقسیم
می‌شود و، از این میان، بیشتر پرسش‌ها - گویا به دلیل نوع کار پرسشگران - بر
خاطره‌پرسیده‌ها یا همان خاطره‌گیری (مصاحبه) متمرکز است.

پرسمان یاد درباره استناد در انواع خاطره‌نویسی، به‌ویژه آنچه خاطره‌گیری نامیده
شده است، نکات درخور توجهی دارد و دانستن آن‌ها برای فعالان در حوزه خاطرات
جنگ سودمند است؛ چراکه به نظر می‌رسد در شماری از این نوع کتاب‌ها موضوع

۱. همه نقل قول‌های مقاله حاضر، از نظر نشانه‌گذاری و رسم الخط، عیناً منطبق بر متن پرسمان یاد است.

استناد مغفول مانده است. این کتاب، در عین اشتغال بر مباحث جدی و سودمند، اشکالاتی دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۲- نکته‌ها

ظاهر کتاب- نکاتی که در اینجا اشاره می‌شود از زمره ضعف‌هایی است که در کتاب‌های حوزه ادبیات انقلاب اسلامی و جنگ کم‌وبیش دیده می‌شود و از عواملی است که، غیر مستقیم، بر مخاطب تأثیر منفی می‌گذارد و، ناخودآگاه، گروهی از خوانندگان را از این کتاب‌ها روی گردان می‌کند.

صفحه‌آرایی پرسیمان یاد غیر حرفه‌ای و غیر استاندارد است. حاشیه سفید در راست، چپ و پایین اغلب صفحات بسیار اندک است. در صفحاتی که پانوشت دارند، خط پانوشت (اصطلاحاً خط برنج) نیامده و اندازه حروف مطالب پانوشت نیز بزرگ است. اندازه حروف متن نیز در سراسر کتاب یکدست نیست. از صفحه ۳۳۵ کتاب به بعد، اندازه حروف، در مقایسه با صفحات پیش، کوچک‌تر و از همین صفحه به بعد نیز حاشیه سفید در راست و چپ و پایین صفحات بیشتر شده است.

در پرسیمان یاد، غلط‌های چاپی یا اغلاطی ناشی از ناآشنایی با رسم‌الخط فارسی و همچنین نایکدستی رسم‌الخط دیده می‌شود. به چند نمونه اشاره می‌کنیم: «خَب» در صفحه ۴۵ و بسیاری صفحات دیگر؛ «ه»های نسبت در صفحه ۵۵؛ «خلاء» در صفحه ۱۰۸؛ «منشاء» در صفحه ۱۵۸؛ «بویم» به جای «بودم» در صفحه ۸۴؛ «تأثیرگزارانه» در صفحه ۱۵۸؛ «راوایش» (?) در صفحه ۱۶۲؛ «فرماندهان» در صفحه ۱۶۹؛ «فرمانده قشون و فرماندهی سپاه» در صفحه ۱۶۹؛ «ذغال» در صفحه ۱۶۹؛ «سندیت‌اش» در صفحه ۱۸۸؛ «شبه‌اندیشه‌های جُنّاحی» (جِنّاحی؟) در صفحه ۱۹۶ و ...

زبان- درباره زبان پرسمان یاد از دو جنبه می‌توان بحث کرد. نخست اینکه تعبیر و نیز نحو عبارت‌های علیرضا کمری، در برخی صفحات، دشوار و دیریاب است. دوم اینکه لغزش‌های زبانی به بعضی از عبارت‌های کتاب راه یافته است. این لغزش‌ها بیشتر به علت صبغه گفتاری کتاب است. در تبدیل گفتار به نوشتار، لازم نیست هرچه گوینده ادا کرد، عیناً، به نوشتار درآید. اگر چنین بود، همه مصاحبه‌ها به زبان شکسته نوشته می‌شد. اشکالات دستوری، ضعف‌های زبانی، مغلق‌گویی‌ها و مصادیقی از این دست در تبدیل گفتار به نوشتار بعد از هماهنگی با گوینده باید اصلاح شود. در پرسمان یاد به نظر می‌رسد اصل بر حفظ صبغه گفتاری بوده است و تدوین‌کنندگان به این شیوه وفادار بوده‌اند و، به‌رغم آنکه در پیشگفتار آمده است «... مجموع مکتوب این سلسله‌گفتارها با رعایت ملاحظات بایسته گفتارنویسی بازنگری گردید» (ص ۳۱)، همچنان اشکالات طبیعی زبان گفتار، که در نوشتار جزء عیوب کلام محسوب می‌شود، به متن راه یافته است. چند نمونه ذکر می‌شود:

- فاصله افتادن میان مفعول و «را»:

ثانیاً سؤال‌هایی که جنبه انتزاعی و نظری دارد و خیلی مسئله شما نیست را پیش نکشند. (ص ۳۷)

- تعبیر عامیانه «گرفتن چیزی»:

چرا روایت فتح شهید آوینی می‌گیرد؟ (ص ۳۹)

- تعبیر عامیانه «توی» به جای «در»:

فرد توی کربلای ۵ بوده ... (ص ۱۶۴)

- جمله طولانی با نحو آشفته:

به همین سبب، رگه‌هایی از مکاشفه/ مشاهده نوشته‌ها و روایت‌هایی از نوع تذکرة‌الاولیای عطار و اسرارالتوحید و گلستان سعدی و مقامات حمیدی و مقامات بدیع‌الزمان به طور کلی صورت‌های روایی در آثار تاریخی ادبی از تاریخ بلعمی تا ناسخ‌التواریخ را می‌شود در خاطرات مشاهده کرد، پیدا و ناپیدا. (ص ۳۹)

- کاربرد نادرست فعل «ابتنا داشتن به چیزی»:

به این ترتیب خاطرات ابتنا دارند به بن‌مایه‌های اندیشه و فرهنگ ... (ص ۳۹-۴۰)

- جملهٔ دیریاب و مبهم:

زیرا مقصود از خاطره‌نویسی و اساس آن، زبان گفت و نوشت شدنِ خاطره‌نویس از جانب صاحب‌خاطره یا خاطره‌دار است. (ص ۷۰)

- عبارت دیریاب:

... کتاب خاطره، به تعبیر من به حیث شد و بُودیافتگی، پس از ولادت از ذهن بر ریختارِ زبان سه شکل کلی دارد. (ص ۱۲۹)

- عبارت مبهم:

زیرا این روایت ادبی شده با واقعیتِ روایت مرجع روایت ایجاد فرق و فاصله می‌کند ... (ص ۱۵۶)

- تعبیر نارایج («داستان‌کار» به جای «داستان‌نویس»):

این کار خاطره‌گیر داستان‌کار است. (ص ۱۶۴)

اشکالات فهرست تفصیلی و عنوان‌ها - کتاب فهرستی تفصیلی دارد و، ضمن آن، کوشش شده است موضوعات کلیدی هر جلسه به خوانندگان عرضه شود. بهتر بود این اطلاعات ذیل هم و با ذکر شمارهٔ صفحه نوشته می‌شد. در عین حال، این فهرست کمک چندانی به خواننده نمی‌کند. بعضی عبارات‌ها طولانی است و گاه گویا نیست و، برای کسی که پیش از شروع به خواندن کتاب فهرست را می‌بیند، روشن نیست قرار است در آن فصل با چه موضوعی آشنا شود. مثلاً، این عبارات از فهرست تفصیلی جلسهٔ سوم را بخوانید:

تأکید بر روایت‌های اصیل و روایت‌های برتر از جنگ، بیانگر چرایی تبدیل شدن «موضوع» تحریف به «مسئله» یا «مشکله»ی کنونی؛ ضرورت راه‌کاریابی برای کاهش آسیب‌های ناشی از تأثیرپذیری مادهٔ خام خاطرات جنگ از هر امر ذهنی - درونی و عینی - بیرونی. (ص ۱۱)

بهتر بود اطلاعات مزبور، به‌ایجاز و با ذکر شمارهٔ صفحه، در نمایه می‌آمد. به‌علاوه، به‌علت گستردگی مباحث، بهتر بود در پایان هر فصل (جلسه) بخشی با عنوان «نتیجه» در نظر گرفته می‌شد و ماحصل بحث‌ها با جمله‌هایی روشن و کوتاه می‌آمد.

عنوان جلسات، بعضاً، ارتباطی دقیق با مباحث جلسه ندارد. مثلاً، جلسهٔ اول (فصل اول) به کلیاتی در باب خاطره و خاطره‌نویسی اختصاص دارد، اما عنوان آن «الگوی بنیادین سنت و نقل و حدیث فراروی خاطره‌گویی / نویسی در ایران» است. هرچند بخشی از جلسه به مبحث مذکور اختصاص دارد، عنوانی دقیق برای نامیدن این فصل نیست. عنوان فصل سوم و چهارم، افزون بر اینکه گویا نیست، با محتویات این فصل‌ها ارتباطی روشن ندارد: «خاطرات جنگ در خدمت صورت‌بندی مفهوم دفاع مقدس»، «خاطرات جنگ مقوم بنیان‌های گفتمان غالب». تمرکز مباحث فصل هفتم (همچون فصل پنجم) بر استناد است و روشن نیست چرا فصل هفتم را «مدیریت فرهنگی خاطرات جنگ در ایران (اعم از خاطره‌گویی / نویسی / شنوی / خوانی / پسندی / ستایی / گرای / نگری / نگاری)» نامیده‌اند. فصل هشتم دربارهٔ مصاحبه است، اما عنوانی دیگر دارد.

تکرار مطالب، ضعف پرسش‌ها و یکسان نبودن ساختار فصل‌ها- با اینکه در جلسهٔ نخست اشاره شده است که اعضای جلسه از ابتدا پرسش‌هایی طرح کرده‌اند (ص ۳۶)، در جلسهٔ اول و دوم، مباحث به شکلی نامنظم و پراکنده پیش می‌رود و به نظر می‌رسد بیشتر پرسش‌های این دو جلسه فی‌البداهه طرح شده است. در جلسهٔ سوم، ابتدا هریک از اعضا پرسش‌هایی مطرح می‌کنند و پرسش‌شونده به تعدادی از آن‌ها پاسخ می‌دهد. از جلسهٔ چهارم به بعد، پرسش‌شونده به پرسش‌هایی پاسخ می‌دهد که به صورت مکتوب در اختیار اوست و، در میانهٔ سخن، هرگاه اعضا با پرسشی تازه مواجه شوند، آن را مطرح می‌کنند. به‌علاوه، پرسش‌های مبهم، پرسش‌های بی‌ارتباط با موضوع بحث، وحدت موضوعی نداشتن پرسش‌های بعضی جلسات و تکراری بودن

تعداد درخور توجهی از آن‌ها نشان می‌دهد جلسات طرح منظم و دقیق نداشته‌اند و سازمان‌دهی و تدوین نهایی مطالب ضعف‌هایی دارد. کم‌ری خود نیز بعضاً به مبهم بودن پرسش‌ها یا ضعف آن‌ها اشاره کرده است (برای نمونه ← ص ۸۸، ۱۹۶ و ۲۰۷)؛ به‌ویژه پرسش‌های تکراری و در نتیجه پاسخ‌های تکراری و بارها بیان کردن یک مطلب در طول کتاب برای خواننده آزاردهنده است. مثلاً، بارها به این مطلب اشاره شده است که خاطره، از نظر روش بیان، بر سه نوع است و درباره هر یک توضیحاتی عرضه شده (برای نمونه ← ص ۱۳۲ و ۱۸۱). یا بعضی از پرسش‌ها و پاسخ‌های مربوط به موضوع استناد، که در فصل هفتم آمده است، در فصل پنجم و در بخش‌هایی از فصل ششم نیز دیده می‌شود (برای نمونه، مباحث صفحات ۱۷۹، ۱۹۲، ۱۹۹ و ۲۰۱ را با فصل پنجم و ششم مقایسه کنید). این تکرارها خلاف آن ادعای اولیه است که «از سؤالاتی که شما می‌کنید و احیاناً تکراری است پرهیز خواهد شد» (ص ۳۶). پای‌بندی کتاب به سبک گفتاری جلسات موجب شده است تدوین‌کنندگان از رعایت این اصل صرف نظر کنند و در پیشگفتار چنین نوشته شود:

در کتاب پیش‌اروی، الزام به حفظ اسلوب پرسش و پاسخ و رعایت این‌همانی متن مکتوب با مباحث ارتجالی و شفاهی، موجب تکرار و تشابه در شماری از اظهارات شده است. (ص ۳۱)

اینک چند نمونه از پرسش‌ها:
- پرسش مبهم:

سؤالی در ذهنم نبود، ولی چیزی که همیشه دغدغه من است این بحث ناگفته‌های جنگ است که وقتی راوی خاطره را تعریف می‌کند، صحبت‌هایی هست که در کتاب‌های دیگر گفته نشده است و یا ما نمی‌توانیم برایش استنادی پیدا کنیم. حالا چه به صورت تصویری و چه به صورت مکتوب. ما باید با این‌ها چه کار کنیم، برای رویدادهایی که از آن‌ها سندی نداریم، چه جوری می‌توانیم آن‌ها را بازنمایی کنیم؟ (ص ۸۸)

سؤال هفتم شما این است که توجه به استناد در گستره موضوع تا چه اندازه در تطابق موضوع و واقع اثرگذار است؟ بزرگ شمردن یک چیز کوچک و کوچک شمردن یک چیز بزرگ. (ص ۱۹۶)

- پرسش غیر تخصصی و کلیشه‌ای:

- آقای کمری، از خاطره؛ من را که نمی‌شود بگیریم، درست است؟

- بله

- هرچه این من پُرنرنگ‌تر بشود، خاطره بهتر می‌شود؟

- ممکن است. (ص ۵۶)

شکل عرضه- پرسش‌های مبهم و بی‌ارتباط به بحث حاکی است که پرسشگران غالباً از روی شوق و انگیزه می‌پرسند، بی‌آنکه فن و روش مصاحبه بدانند. از این رو، پرسمان یاد سبک مباحثه‌ای ندارد و علیرضا کمری در اغلب جلسات متکلم وحده است. اگر پرسشگران در فن خاطره‌نویسی صاحب‌نظر بودند، مباحث جدی‌تر و علمی‌تر پیش می‌رفت.

پرسشی که برای من، هنگام خواندن پرسمان یاد پیش آمد، این است که چه ضرورتی داشت کتاب به این شکل عرضه شود؟ گفتار و نوشتار دو نظام مختلف با ویژگی‌ها و کاربردهای متفاوت‌اند. در نوشتار غالباً جمله‌ها منسجم و کامل، اما در گفتار معمولاً طولانی یا بریده‌بریده و ناتمام‌اند. جابه‌جایی اجزای کلام، حشو، خارج شدن از موضوع گفتگو، حذف فعل و برخی از دیگر اجزای کلام، تکرار، اشتباه و تصحیح اشتباهات از ویژگی‌های بارز زبان گفتار است. در پرسمان یاد، برخی از این اشکالات به‌ویژه تکرار، حشو، لغزش‌های کلامی و خارج شدن از موضوع گفتگو به کتاب راه یافته است. این اشکالات در تبدیل صورت شفاهی به نوشتاری باید اصلاح می‌شد. نقدی که در جایی از کتاب درباره خاطره‌نویسی جنگ آمده است درباره خود کتاب هم صادق هست: «ما یک حجم زیادی به خواننده می‌دهیم که خواننده اصلاً نیازی به این نداشته است»

(ص ۱۸۲). در لابه‌لای کتاب، مباحث جدی و کلیدی و خواندنی درباره‌ی خاطره کم نیست، اما شکل عرضه‌ی کتاب موجب شده است حجم آن بسیار زیاد و خواننده در خواندن آن با دشواری روبه‌رو شود و کتاب احتمالاً برای او کسالت‌بار باشد. بهتر بود تدوین‌کنندگان مطالب زائد و تکراری را حذف و مباحث اساسی و کلیدی جلسات را در صد صفحه (یک‌چهارم حجم کنونی) طبقه‌بندی شده و مدون عرضه می‌کردند تا برای خوانندگان، به‌ویژه آنان که در حوزه‌ی خاطرات جنگ کار می‌کنند، مفید و قابل استفاده باشد؛ به‌ویژه - چنان‌که نوشتیم- جلسات غالباً صبغه‌ی مباحثه‌ای ندارند و ضرورتی برای حفظ صورت‌گفتاری و پرسش و پاسخی آنها وجود ندارد.

دعاوی نادرست و تأمل‌برانگیز- پاره‌ای از مطالب کتاب نادرست است. شاید اگر کتاب هنگام تبدیل گفتار به نوشتار با دقتی بیشتر بازنگری می‌شد، تعدادی از این اشکالات به آن راه نمی‌یافت؛ چراکه گوینده در گفتار غالباً به منابع دسترسی ندارد و مطالب را، بنا بر آنچه در ذهن دارد، بیان می‌کند. اما نویسنده در نوشتار فرصت دارد به منابع مراجعه و اشکالات را تصحیح کند. نمونه‌هایی ذکر می‌کنم:

الف) به عقیده‌ی علیرضا کمری، «خاطره» ترکیب «خاطر» (ذهن، حافظه، مخزن جای‌گیر آنچه دیده و شنیده‌ایم) و «ها»ی نسبت است و، با توجه به این ترکیب، معنای لغوی «خاطره» عبارت است از «آن رویدادی که در ظرف ذهن جا می‌گیرد». (ص ۵۵؛ نیز ص ۷۱)

گفتنی است واژه «خاطره» همان خاطره عربی است که «تا»ی گرد آن در فارسی بدل به «ه» شده است و این «ه» از مقوله نسبت نیست. مشابه آن را می‌توان در واژه‌هایی نظیر «حادثه»، «سابقه»، «سانحه»، «واقعه» و واژه‌هایی مشابه دید. تاء (ة) در واژه «خاطره» می‌تواند نشانه‌ی تأنیث یا وحدت باشد و البته در واژه خاطره، به صورت عام، از مقوله وحدت و به معنی چیزی است که به خاطر می‌آید.

ب) در بحث از «استناد» آمده است: «استناد از باب افتعال به معنای طلب کردن آمده است، به معنی تکیه کردن». (ص ۱۳۰)

باب افتعال غالباً در معنای مطاوعه به کار می‌رود، نه طلب کردن. گویا با «استفعال» اشتباه شده است.

ج) بعضی از ادعاهای دقیق نیست و مبنایی مشخص ندارد و، در نتیجه، کمکی به بحث نمی‌کند. نمونه‌هایی ذکر می‌شود:

- دربارهٔ ارکان خاطره آمده است:

ارکان کتاب خاطره را اگر بخواهیم در نموداری ترسیم بکنیم می‌شود: الف- کالبد و سازهٔ فیزیکی کتاب و ب- متن و مندرجات. متن و مندرجات را هم باز به دو دسته تقسیم کنید: ۱- پدیدآور یا پدیدآوران ۲- پدیده یا اثر. پدیدآور یا پدیدآوران هم شامل: ۱- صاحب‌خاطره ۲- عوامل و اسطاند. متن و اثر هم دربرگیرنده: ۱- ظرف و زبان، ۲- محتوا (مضمون و موضوع) می‌شود. (ص ۱۳۰)

تقسیم‌بندی مزبور دربارهٔ بسیاری از کتاب‌ها صادق است. با این دیدگاه، ارکان هر کتابی شامل کالبد فیزیکی کتاب و متن و محتویات می‌شود و هر کتابی پدیدآورنده و متن دارد. به علاوه، هر کتابی که منتشر می‌شود عوامل و اسطه‌ای نظیر ناشر در نشر آن مؤثر بوده‌اند و نیز متن همهٔ کتاب‌ها زبان و موضوعی دارد. این‌گونه بحث‌ها کلی‌گویی است و کمکی به شناخت ارکان خاطره نمی‌کند. به‌جای ارکان خاطره، بهتر است دربارهٔ اجزای خاطره سخن گفته شود؛ مثلاً می‌توان آن را شامل این اجزا دانست: گویندهٔ خاطره (راوی)، نویسندهٔ خاطره (که گاه با گویندهٔ خاطره یا راوی یکی است)، زبان و عناصر روایت (شخصیت‌ها، مکان، زمان و...).

- در جلسهٔ ششم آمده است:

می‌توانیم خاطره در قالب داستان داشته باشیم، کما اینکه داستان در قالب خاطره هم داریم مثل ملاقات در شب آفتابی علی مؤذنی. نوع سوم هم خاطره-داستان یا داستان-خاطره

است یعنی امتزاج این دو. حتی رمان-خاطره داریم یعنی رمان‌هایی که بر سیاق خاطره‌گویی و خاطره‌نگاری نوشته می‌شوند و سبک داستانی پیدا می‌کنند. (ص ۱۶۱)

نوع دوم و سوم خاطره و نیز آنچه پرسش‌شونده درباره رمان می‌گوید تفاوتی با هم ندارند. به نظر می‌رسد همه انواعی که پرسش‌شونده می‌گوید ذیل دو نوع جا می‌گیرد: نخست خاطره‌ای که به شکل داستانی روایت می‌شود؛ یعنی بستر متن یا موضوع کتاب خاطره‌نویسی است، اما روش بیان داستانی است. دوم داستانی که از زاویه دید یکی از شخصیت‌های داستان چنان روایت می‌شود که گویی راوی خاطره‌ای از گذشته را می‌گوید یا می‌نویسد؛ یعنی بستر متن یا موضوع کتاب داستان است، اما سبک بیان راوی خاطره‌گویی یا خاطره‌نویسی است. پیداست که اگر نوع کتاب داستانی باشد، نویسنده اجازه خیال‌پردازی دارد و، هرچند برخی از رویدادهای داستان با دنیای بیرون از داستان مطابقت داشته باشد، نباید به دنبال تطبیق آن با وقایع دنیای بیرون بود. اما در نوع اول، هرآنچه نویسنده می‌نویسد باید مطابق واقعیت باشد؛ در عین حال می‌توان در فضا سازی، توصیف، شخصیت‌پردازی و... در عین پای‌بندی به واقعیت- از روش‌های داستانی استفاده کرد. به این موضوع، در برخی از جلسات به تفصیل پرداخته شده است. با اینکه پرسش‌شونده می‌گوید «من در مقام تجویز و توصیه حرف نمی‌زنم. گونه‌های مختلف نوشته‌شده را توضیح می‌دهم و تبیین می‌کنم» (ص ۱۵۹) و به درستی تأکید می‌کند که، اگر تغییراتی در اصل روایت داده می‌شود، «در مقدمه باید توضیح داد که متن اصلی چه بوده و متن کنونی چیست» (ص ۱۷۴)، به نظر می‌رسد رویکرد او به محتوای خاطره-به‌ویژه خاطرات جنگ- رویکردی تاریخی است؛ چنان‌که می‌گوید:

ما خصوصاً در خاطرات خودنوشت نمی‌توانیم دخل و تصرفی بکنیم. مگر با اطلاع و رضایت صاحب‌خاطره و بیان ادله تغییر و تصحیح در متن. (ص ۱۳۷)

پرسش و پاسخ درباره نسبت خاطره و داستان و نیز مسئله استناد و پای‌بندی خاطره به واقعیت بخش درخور توجهی از کتاب را به خود اختصاص داده است. به نظر من،

بخش عمده این تردیدها و پرسش‌ها ناشی از نداشتن طبقه‌بندی دقیق و از پیش‌اندیشیده است. آیا خاطره یک متن ادبی است؟ زیرمجموعه کدامیک از انواع ادبی قرار می‌گیرد؟ آیا خاطره نوعی تاریخ است؟ چه اجزا و چه ویژگی‌هایی دارد؟ درباره این مسائل، هرچند نکاتی در کتاب آمده است، نتایج بحث‌ها منسجم و یکدست نیست. همچنان‌که درباره قالب داستان پذیرفته‌ایم که جهان داستان جهانی است ویژه خود و نباید آن را با دنیای واقعی یکسان فرض کرد و نیز داستان شامل اجزایی نظیر شخصیت، گفتگو، زبان، زاویه دید و... است، درباره قالب خاطره نیز باید به تعریف و تفسیر جامع و مانع و مشخصی رسید.

- در جلسه هفتم نوشته شده است:

فهم جنگ به عقل و درک درست نیاز دارد. به درک فلسفی و هوش بالا متکی است. کسانی که ذهن معقول و ریاضی‌وار دارند جنگ را بهتر می‌فهمند. ادبیاتی‌ها متوجهش نمی‌شوند. تاریخ به ماهو تاریخ را طبایع رمانتیک نمی‌توانند بفهمند. آن‌ها بهتر است بروند دنبال ادبیات که معمولاً خانم‌ها در این رشته موفق‌اند؛ تاریخ عقل مذکر می‌خواهد. عقل مذکر به معنای عقل نرینه نیست؛ یعنی انسان بخرد. (ص ۱۹۸)

این‌گونه بحث‌ها از مقوله کلی‌گویی است. این سخن که «ادبیاتی‌ها متوجه جنگ نمی‌شوند» چه مبنایی دارد؟ ادبیاتی به چه کسی گفته می‌شود؟ شاعران؟ داستان‌نویسان؟ محققان ادبی؟ تحصیل‌کردگان رشته ادبیات فارسی؟ آیا ادبیاتی کسی است که احساسش بر خرد چیره شده است؟ اگر شاعری متوجه جنگ نشود، چگونه شعری درباره آن می‌سراید که ممکن است تأثیرش بیش از یک کتاب تاریخی باشد؟ در مقوله داستان نیز می‌توان همین پرسش‌ها را کرد. و اصولاً، در صورت صحت این گفته، اگر خاطره را متنی ادبی فرض کنیم - چنان‌که در تقسیم‌بندی‌ها فرض کرده‌اند - آیا می‌توان گفت خاطره‌نویسان جنگ چون به نوشتن متنی ادبی (خاطره) روی آورده‌اند، از

نوشته‌های آنان چیزی درباره جنگ نمی‌توان استنباط کرد؟ به علاوه، اینکه زنان در رشته ادبیات موفق‌ترند یا مردان باز محل بحث است و البته که کلی‌گویی است.

۳- نتیجه

تمرکز کتاب پرسیمان یاد بر خاطره‌نویسی جنگ است و، به‌رغم داشتن مباحث خوبی در این باره، شکل عرضه کتاب موجب شده است حجم آن زیاد و خواندنش برای خواننده دشوار باشد. تکرار مطالب، آشنا نبودن پرسشگران با فن مصاحبه و طرح پرسش‌های غیر حرفه‌ای، لغزش‌های زبانی، نداشتن ساختار یکدست و نیز ظاهر و صفحه‌آرایی غیر فنی از جمله اشکالات مهم کتاب است. در مقاله حاضر، پیشنهاد شده است مطالب زائد و تکراری کتاب حذف شود و مباحث اساسی و کلیدی مجموعه جلسات، با رعایت اصل ایجاز و مختصر و مفیدگویی، به صورت طبقه‌بندی شده و منظم و مدوّن، با نوشتار معیار و رعایت رسم الخط یکدست و صفحه‌آرایی مناسب عرضه شود.

منابع

- اشرف، احمد، «خاطرات؛ سابقه خاطره‌نگاری در ایران»، بخارا، ش ۷۴، بهمن و اسفند ۱۳۸۸، ص ۳۳۹-۳۶۳.
- شمیسا، سیروس، انواع ادبی، چاپ دوم، فردوس، تهران ۱۳۷۳.
- فرهنگ فارسی، محمد معین، امیرکبیر، تهران ۱۳۴۲.
- کمری، علیرضا، پرسیمان یاد (گفتارهایی در باب خاطره‌نگاری و خاطره‌نویسی جنگ و جبهه/ دفاع مقدس)، نشر صریر، تهران ۱۳۹۴.
- لغت‌نامه، علی‌اکبر دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم (دوره جدید)، تهران ۱۳۷۷.

